

نگارخانه
نشر نگاه معاصر

خوانش افلاطون

تاماس الکساندر سلزاک
ترجمه‌ی عباس جمالی

فهرست

- ۹ دربارهٔ مؤلف
- ۱۱ سپاسگزاری
- ۱۳ مقدمهٔ فارسی
- ۱۵ درآمد مؤلف بر ترجمهٔ فارسی
- ۱۷ درآمد مؤلف
- ۱۹ ۱. لذت خوانش افلاطون
- ۲۳ ۲. مشارکت‌های خواننده
- ۲۵ ۳. نمونه‌ای از دریافت فردی
- ۲۹ ۴. نگرش‌های اشتباه ممکن از جانب خواننده
- ۳۳ ۵. فرد هرآنچه را نداند نمی‌بیند
- ۴۱ ۶. شاخصه‌های دیالوگ‌های افلاطونی
- ۴۳ ۷. پرسش‌هایی پیرامون شاخصه‌ها
- ۴۹ ۸. افلاطون برای چه کسی می‌نویسد؟
- ۵۳ ۹. آیا دیالوگ افلاطونی با چندین صدا سخن می‌گوید؟
- ۵۹ ۱۰. تئوری قدیمی تفسیر
- ۶۳ ۱۱. تفسیر سیمونیدس در پروتاگوراس
- ۶۷ ۱۲. نقد نوشتار در فایدروس
- ۷۷ ۱۳. تعریف فیلسوف بر مبنای پیوند او با نوشته‌هایش

۱۴. معنای تیمیوترا / ارزشمندتر..... ۸۱

۱۵. «حمایت کلام» در دیالوگ‌ها..... ۸۷

۱۶. فراروی به سوی اصول و محدوده‌های ارتباط فلسفی..... ۹۵

۱۷. برخی «شکاف‌ها»..... ۱۰۱

۱۸. آموزه یادآوری و دیالکتیک در اتیدموس..... ۱۱۵

۱۹. اهمیت اشارت‌ها برای خوانش افلاطون..... ۱۱۹

۲۰. تکنیک نمایشی (دراماتیک) افلاطون..... ۱۲۷

۲۱. طنز..... ۱۳۷

۲۲. اسطوره..... ۱۴۱

۲۳. مونولوگ و دیالوگ با مصاحبین خیالی..... ۱۴۵

۲۴. شاخصه‌های دیالوگ‌ها..... ۱۴۹

۲۵. چگونگی و چرا دیالوگ - فرم کژ فهمیده شده است..... ۱۵۷

۲۶. تمایز میان رازورزی و پنهان‌کاری..... ۱۶۱

۲۷. تصور افلاطون از فلسفه و اهداف دیالوگ‌ها..... ۱۶۵

□ یادداشت‌ها..... ۱۶۹

□ واژه‌نامه آلمانی - انگلیسی - فارسی..... ۱۷۹

□ کتاب‌شناسی..... ۱۸۲

درباره مؤلف

تاماس الکساندر سلزاک (۱۹۴۰) پژوهشگر و یونان‌شناس مجارستانی، هم‌اکنون استاد دانشگاه توپینگن آلمان است. او آثار ارزشمندی در باب فلسفه یونان نگاشته که از آن جمله می‌توان به دو اثر زیر اشاره کرد:

Platon und die schriftlichkeit der philosophy (1985)
Platon und Aristoteles in der Nus-Lehre Plotins (1979).

مقدمه فارسی

مسأله پایه‌ای کتاب حاضر چگونگی «خوانش» دیالوگ‌های افلاطون به عنوان فیلسوف - نویسنده» ای است که همه چیز را به نوشتار در قالب قلم و صفحه نمی‌سپارد و اندیشه خود را فراسوی آنها می‌داند. در این صورت خوانش نوشتار - دیالوگ‌ها به مثابه آثار مکتوب اندیشه‌ای که نمی‌خواهد خود را تماماً به نوشتار بسپارد - در شکل امروزی آن برای این فیلسوف - نویسنده مسأله‌ای اساسی است و نیازمند بحث در باب یافتن شیوه مناسب خوانش متن وی.

در ارتباط با این مسأله تاماس سلزاک افلاطون‌پژوه و استاد دانشگاه توپینگن آلمان سعی نموده عمدتاً محورهای اصلی نظرات خود را در مواجهه و مباحثه با شلایرماخر و پیروان وی به صورت فشرده و غالباً کوتاه مطرح و ارایه نماید. به نظر می‌رسد چارچوب نظریه وی با تأکید و تکیه بر دیالوگ فایدروس مترصد نشان دادن این مهم است که برای افلاطون (به دلایل متعدد) فلسفه و فلسفیدن در ارتباط مستقیم با نوشته و نوشتن قرار دارد و این مؤلفه‌ها به هم مربوطند. از این رو برای خواندن افلاطون می‌بایست به نظر او به عنوان فیلسوف - نویسنده توجه داشته و با عنایت به این پیش‌آگاهی دیالوگ‌های نوشتاری شده او را بخوانیم. به تعبیر سلزاک فراسوی همه این موارد ارتباط و مشارکت در فلسفه افلاطون نیازمند یک جهت‌گیری خاص «وجودی - منشی» است و تا این امر متحقق نشده زمینه و بستر حقیقی و اصیل برای «خوانش افلاطونی» دیالوگ‌های «افلاطون» مهیا نیست.

با عنایت به فقدان متنی روشی به زبان فارسی برای خوانش دیالوگ‌های افلاطون که در عین حال بتواند به عنوان مقدمه‌ای تخصصی (در برابر تفننی و ذوقی) برای ترجمه آنها به فارسی عمل نماید، کتاب خوانش افلاطون برگزیده و در دست ترجمه قرار گرفت. اساس

کار ارایه ترجمه‌ای است که تا حد امکان معنا و روانی جملات و عبارات متن را به صورت تخصصی آن به خواننده آکادمیک برساند. و در ارتباط با اصطلاحات نیز سعی شده معنای ریشه‌ای آنها به دست داده شود و در غیر این صورت خود واژه یونانی آورده شده تا جدای از هر معادل آلمانی یا انگلیسی و فارسی مورد تأمل و مذاقه قرار گیرد. البته باید توجه داشت که زبان متن اصلی یعنی آلمانی تا حد امکان در زبان انگلیسی و نیز فارسی بازتاب یافته است و از این رو گه‌گاه در متن نمودهای این مسأله را می‌توان دید.

درآمد مؤلف بر ترجمه فارسی

بسی شادمانم از اینکه شاهد انتشار دوباره کتابم، خوانش افلاطون^۱ در زبانی دیگر؛ و این بار در زبان فارسی، زبانی که سنت دینی و عقلانی عظیمی را حمل می‌کند. مضافاً که این ترجمه فارسی نخستین ترجمه آن در کشورهای اسلامی است.

افلاطون متعلق به هیچ‌گرایش، جریان یا سنت سیاسی یا مذهبی نیست. آثار او بایست که همچون بخشی از بنیادهای زوال‌ناپذیر فرهنگ نوع بشر فهمیده شوند. افلاطون در طول بیش از دو قرن در کشورهای غربی به عنوان بنیانگذار و آغازگر راستین فلسفه مورد ستایش بوده است. از دگرسوی، در این شکی نیست که دیدگاه جامع او به زندگی بشری بسیار دور است از نسبی‌گرایی و لذت‌گرایی مدرن، و هم از لیبرالیسم فردگرایی که به وسیله دولت‌های غربی به عنوان یک راه ایده‌آل زندگی برای نوع بشر پیشنهاد شده است. گرچه غرب تصورش از فلسفه را به افلاطون مدیون است، اما فرهنگ غربی نمی‌تواند مدعی باشد که دنباله‌رو همان راهی بوده که به وسیله او نشان داده شده است.

لذا افلاطون گشوده بر تمام فرهنگ‌هاست. دیالوگ‌های او راه سفر را بر رویکردهای بسیار متفاوت می‌گشاید. هم‌زمان، تأکید پایدارش بر روش‌شناسی معقول و معتدل برای هر آنکه بخواهد اندیشه‌اش را سازمان داده و پیش‌برد فوق‌العاده‌گرانبهاست.

من، شکی ندارم که افلاطون در ایران نیز با علاقه و حتی شور و اشتیاق خوانده خواهد شد. نخستین راه به دیالوگ‌های او با همین ترجمه گشوده خواهد شد، همچنان‌که دیگر ترجمه‌های این کتاب نیز – که تاکنون به هفده زبان رسیده است – راهی را به افلاطون برای